

فهرست منابع و مآخذ
«چنین گفت بودا»

نیکایا	دیگا	برای	د ن	حروف معرّف نام مراجع:
نیکایا	مجهما	برای	م ن	
نیکایا	سامیوتا	برای	س ن	
نیکایا	انگوتارا	برای	ا ن	

بودا

مأخذ	بند	صفحه	بهره
			فصل ۱
	۱ سوتراهای مختلف	۲	۱
	۱ - ن ۳۸-۳، سوکھومالا - سوترا	۵	
	۴ م ن ۲۶-۳، اریاپاریسنا - سوترا	۵	
	۵ سوتراهای مختلف	۵	
	۱ م ن ۸۵ - ۹، بودیراجاکو مارا - سوترا	۷	
	۲ سوتراهای مختلف	۷	
	۴ سوتا نیپاتا ۲-۳، پاداهنا - سوترا	۷	
	۵ سوتراهای مختلف	۷	
	۳ وینایا، مهاواگا کتاب ۱	۸	
	۳ د ن ۱۶، مها پارینیبانا - سوترا	۹	
	۳ د ن ۱۶، مها پارینیبانا - سوترا	۱۰	۲
	۲ پارینیبانا - سوترا	۱۱	
	۳ پارینیبانا - سوترا	۱۳	
	۵ د ن ۱۶، مها پارینیبانا - سوترا	۱۳	
			فصل ۲
	۱ امیتایور - دهیانا و ویمالاکیر تینیردسا - سوترا	۱۵	۱

بهره	صفحه	بند	مأخذ
	۱۵	۲	شورا نگاما - سوترا
	۱۵	۳	ویمالا کیرتی - نیردشا - سوترا و ماها پارینیروانا
			- سوترا
	۱۶	۲	سادارما پونداریکا - سوترا
	۱۷	۱	مهایانا - جاتا کا - سیتابومی - پاریکشا - سوترا
	۱۷	۲	مهاپارینیروانا - سوترا
۲	۱۹	۱	سدھرما - پونداریکا - سوترا ۳
	۲۰	۱	سدھرما - پونداریکا - سوترا ۴
	۲۱	۴	سدھرما - پونداریکا - سوترا ۵
۳	۲۲	۳	سدھرما - پونداریکا - سوترا ۱۶
فصل ۳			
۱	۲۵	۱	اواتامساکا - سوترا ۵
	۲۶	۲	مهاپارینیروانا - سوترا
	۲۶	۳	اواتامساکا - سوترا
	۲۶	۵	سوارنا پرابها سوتا ماراجا - سوترا ۳
۲	۲۹	۲	اواتامساکا - سوترا
	۲۹	۳	اواتامساکا - سوترا ۳۴، گانداو یوها
	۲۹	۴	سوکاوتا ویوها - سوترای کوچک
	۳۰	۱	اواتامساکا - سوترا
	۳۰	۲	س ن ۵ - ۳۵
	۳۰	۳	مهاپارینیروانا - سوترا

بہرہ	صفحہ	بند	مأخذ
۳	۳۲	۳	م ن ۷۷ - ۸، مہاساکولودایی - سوترا
	۳۳	۲	مہاپارینیروانا - سوترا
	۳۳	۵	لانکا و تارا - سوترا
	۳۴	۲	اواتامساکا - سوترا ۳۲
	۳۴	۵	سادارما پونداریکا - سوترا ۲۵
	۳۵	۱	مہاپارینیروانا - سوترا
	۳۵	۳	سادارما پونداریکا - سوترا ۲
	۳۵	۴	سادارما پونداریکا - سوترا ۲

دھرما

فصل ۱			
۱	۳۸	۱	وینیا، مہاواگّا ۱-۶ و س ن ۱۱-۱۲-۵۶،
			دھماچکورا - پراورتانا - سوترا
	۳۹	۴	ایتیو و تاکا ۱۰۳
	۴۰	۲	م ن ۲، سبّا ساوا - سوترا
	۴۰	۳	سوترای چھل و دو فصلی، ۱۸
۲	۴۱	۲	شوریمالا دِ ویسینانادا - سوترا
۳	۴۲	۵	اواتانساکا - سوترا ۲۲، داشا بھومیکا

فصل ۲

۱	۴۶	۱	م ن ۳۵-۴، چُورا ساچّاکا - سوْتا
	۴۸	۴	۱ ن ۴۹ - ۵، راجاہ - موندا - سوْتا
	۴۸	۹	۱ ن ۱۸۵-۴، سامانا - سوْتا
	۴۹	۲	۱ ن ۱۳۴-۳، اوّیادا - سوْتا

بهره	صفحه	بند	مأخذ
۲	۴۹	۳	لانکا و اتارا - سوترا
	۴۹	۴	اواتاماساکا - سوترا ۲
	۵۰	۱	اواتاماساکا - سوترا ۱۶
	۵۰	۴	اواتاماساکا - سوترا ۲۲، داشا بهومیکا
	۵۱	۱	لانکا و اتارا - سوترا
	۵۱	۲	ان ۱۸۶-۴، اوماگا، سؤتا
	۵۱	۳	دهمّا پادا ۱، ۲، ۱۷، ۱۸
	۵۲	۱	س ن ۱-۶-۲، کامادا سؤتا
۳	۵۲	۳	اواتاماساکا - سوترا ۱۶
	۵۲	۵	لانکا و اتارا - سوترا
	۵۳	۴	م ن ۲۲-۳، الاگاڊو پاما - سؤتا
	۵۴	۲	لانکا و اتارا - سوترا
	۵۴	۳	لانکا و اتارا - سوترا
۴	۵۷	۳	وینایا، مهاواگا ۱-۶
	۵۸	۱	لانکا و اتارا - سوترا
	۵۸	۲	س ن ۲۰۰-۳۵، داروکاندا - سؤتا
	۵۸	۳	لانکا و اتارا و دیگر سوتراها
	۵۹	۳	م ن ۱۸-۲، مدھوپیندیکا - سؤتا
	۵۹	۶	لانکا و اتارا - سوترا
	۶۰	۴	لانکا و اتارا - سوترا
	۶۱	۴	ویمالا کیرتی - نیر دِشا - سوترا
	۶۳	۳	اواتاماساکا - سوترا ۳۴، گانداویوها
	۶۴	۱	لانکا و اتارا و دیگر سوتراها

بہرہ	صفحہ	بند	مأخذ
فصل ۳			
۱	۶۵	۱	وینایا، مہاواگا ۵ - ۱
	۶۵	۲	وینایا، چولا واگا ۲۱ - ۵
	۶۶	۲	شورامگاما - سوترا
۲	۷۱	۲	شورامگاما - سوترا
	۷۳	۲	ماہاپارینیروانا - سوترا
	۷۳	۴	سدھرما پونداریکا - سوترا ۷ و شورامگاما - سوترا
	۷۴	۲	اواتامساکا - سوترا ۳۲
	۷۴	۳	ماہا پارینیروانا - سوترا
	۷۴	۴	براہما جالا - سوترا
	۷۵	۲	مہاپارینیروانا - سوترا
۳	۷۵	۵	مہاپارینیروانا - سوترا
فصل ۴			
۱	۸۱	۱	شورامالاد ویسینہا نادا - سوترا
	۸۲	۳	ان ۱۱ - ۲
	۸۲	۴	ایتیووتا کا ۹۳
	۸۲	۵	وینایا، مہاواگا
	۸۳	۲	ان ۶۸ - ۳، اناتیتیکاہ، سوتا
	۸۳	۴	ان ۳۴ - ۳، آلاواکا - سوتا
	۸۴	۴	ویپولیا - سوترا
	۸۴	۶	وینایا، مہاواگا ۱ - ۶، دامما چاکراپراوارتانا - سوتا
	۸۵	۱	م ن ۱۴ - ۲، چولا دوکاہ کاندہا - سوتا
	۸۵	۲	مہاپارینیروانا - سوترا
	۸۶	۴	ایتیووتا کا ۲۴
	۸۸	۴	م ن ۵۱ - ۶، کاندارا کا - سوتانتا

بهره	صفحه	بند	مأخذ
۲	۸۹	۲	ان ۱۳۰-۳
	۸۹	۳	ان ۱۱۳-۳
۳	۹۰	۲	ایتیوتاکا ۱۰۰
	۹۰	۴	سامیوکناراتنا پیتاکا - سوترا
	۹۱	۴	ماها پارینیروانا - سوترا
	۹۳	۱	ان ۶۲-۳
	۹۳	۴	ان ۳۵-۳، دودوتا - سوتا
	۹۴	۴	ته راگاتها - آتاکاتا
	۹۵	۴	سوکاوتا ویوها - سوترا جلد ۲

فصل ۵

۱	۱۰۲	۱	سوکاوتا ویوها - سوترا جلد ۱
	۱۰۵	۴	سوکاوتا ویوها - سوترا جلد ۲
	۱۰۷	۲	امیتایور - دیانا - سوترا
	۱۱۰	۵	سوکاوتا ویوها - سوترای کوچک

سیر و سلوک

فصل ۱

۱	۱۱۶	۱	م ن ۲، سابا ساوا - سوتا
	۱۱۷	۴	م ن ۲۶-۳، اریا پاریه سانا - سوتا
	۱۱۸	۳	س ن ۲۰۶-۳۵، چاپانا - سوتا
	۱۱۹	۴	سوترای چهل و دو فصلی ۲-۴۱
	۱۲۱	۵	م ن ۱۹-۲، دوداویتاکا - سوتا
	۱۲۲	۳	دهما پادا آتاکاتا
	۱۲۳	۳	ان ۱۱۷-۳
۲	۱۲۴	۱	م ن ۲۱-۳، کاکاکوچوپاما - سوتا
	۱۲۷	۱	م ن ۲۳-۳، وامیکا - سوتا

بهره	صفحه	بند	مأخذ
	۱۲۸	۳	جاتاکا، کتاب چهارم ۴۹۷، مانانگا - جاتاكا
	۱۳۲	۲	سوترای چهل و دو فصلی، ۹
	۱۳۲	۳	سوترای چهل و دو فصلی، ۱۱
	۱۳۳	۲	سوترای چهل و دو فصلی، ۱۳
	۱۳۴	۲	۱ ن ۴-۲، ساماجیتا - سوتا
۳	۱۳۴	۴	سامیوکتاراتناپیتاكا - سوترا
	۱۴۴	۳	مهاپارینیروانا - سوتا
	۱۴۵	۳	سامیوکتاراتناپیتاكا - سوترا
فصل ۲			
۱	۱۵۰	۱	م ن ۶۳-۷، چولا مالونکیا - سوتانتا
	۱۵۲	۳	م ن ۲۹-۳، مهاسارویاما - سوتا
	۱۵۴	۱	مهامایا - سوترا
	۱۵۴	۲	ثراگاتها آتاکاتا
	۱۵۶	۳	م ن ۲۸-۳، ماهاهاتی پادویاما - سوتا
	۱۵۶	۵	مهاپارینیروانا - سوترا
	۱۵۷	۳	اواداناشاتاكا - سوتا
	۱۵۸	۴	مهاپارینیروانا - سوترا
	۱۶۰	۳	پانچاویمشاتی - ساهاسریکا - پراجناپارامیتا - سوترا
	۱۶۱	۴	اواتامساکا - سوتا ۳۴، گانداویوها

بہرہ	صفحہ	بند	مأخذ
۲	۱۶۳	۳	۳ ان ۸۸ - ۳
	۱۶۴	۳	۳ ان ۸۱ - ۳
	۱۶۴	۴	۳ ان ۸۲ - ۳
	۱۶۵	۳	پارینیانا - سوتا، جلد ۲
	۱۶۶	۳	م ن ۱۴۱-۱۴، ساچا ویانگا - سوتا
	۱۶۷	۹	پارینیانا - سوتا جلد ۲
	۱۶۸	۵	۵ ان ۱۶-۵، بالا - سوتا
	۱۶۸	۶	۶ اواتاماسکا - سوترا
	۱۶۹	۴	۴ مہاپارینیروانا - سوترا
	۱۷۰	۳	۳ سامیوکتارا تناپیتاکا - سوترا
	۱۷۱	۱	۱ سووارنا پرابھاسا - سوترا ۲۶
	۱۷۱	۲	۲ مہاپارینیروانا - سوترا
	۱۷۲	۳	۳ تراگاتھا آتاکاتا
	۱۷۳	۳	۳ جاتا کا ۵۵، پانچاوودھا - جاتا کا
	۱۷۴	۳	۳ ایتیوتاکا ۳۹ و ۴۰
	۱۷۴	۴	۴ مہاپارینیروانا - سوترا
	۱۷۵	۱	۱ ان ۱۲-۵
	۱۷۵	۲	۲ پارینیانا - سوتا
	۱۷۵	۴	۴ شورامگاما - سوترا
۳	۱۷۶	۴	۴ س ن ۲۱-۵۵ و ۲۲، مہاناما - سوتا
	۱۷۷	۶	۶ ان ۳۲-۵، چاندی - سوتا
	۱۷۸	۱	۱ ویمالا کیرتی - نیر د شا - سوترا
	۱۷۸	۲	۲ شورامگاما - سوترا
	۱۷۸	۴	۴ شوکا وتاویوہا - سوترا جلد ۲
	۱۷۹	۳	۳ س ن ۴-۱

بہرہ	صفحہ	بند	مآخذ
	۱۷۹	۳	اواتامساکا - سوترا ۳۳
	۱۸۰	۳	اواتامساکا - سوترا ۲۴
	۱۸۰	۵	سوارنا پرابھاسا - سوترا ۴
	۱۸۱	۲	امیتایور - دیانا - سوترا
	۱۸۱	۳	سوکاوتا ویوہا - سوترا
	۱۸۱	۴	مہاپارینیروانا - سوترا
	۱۸۲	۴	م ن ۱۶-۲، چتوکیلا - سوترا
	۱۸۳	۲	سوکاوتا ویوہا - سوترا جلد ۲
	۱۸۴	۱	دھما پادا
	۱۹۲	۱	س ن ۶-۴-۱
	۱۹۲	۴	ا ن
	۱۹۲	۵	مہاپارینیروانا - سوترا

أُخُوْتُ

فصل ۱

۱	۱۹۴	۱	ایتیووتاکا ۱۰۰ و م ن ۳-۱، واہما دایادا - سوترا
	۱۹۴	۲	ایتیووتاکا ۹۲
	۱۹۵	۱	وینایا، ماہاواگا ۳۰-۱
	۱۹۵	۴	م ن ۳۹-۴، ماہا - آساپورا - سوترا
	۱۹۷	۲	م ن ۴۰-۴، چولا - آساپورا - سوترا
	۱۹۸	۲	سادارما پونداریکا - سوترا ۱۹
	۱۹۸	۳	ساداراما پونداریکا - سوترا ۱۹
	۱۹۹	۱	سادارما پونداریکا - سوترا ۱۴
	۲۰۰	۳	س ن ۳۷ - ۵۵، ماہاناما - سوترا
	۲۰۱	۱	ا ن ۷۵ - ۳
	۲۰۱	۲	س ن ۳۷ - ۵۵، ماہاناما - سوترا
	۲۰۱	۳	س ن ۵۴ - ۵۵، گیلا یا نام - سوترا

بہرہ	صفحہ	بند	مآخذ
	۲۰۱	۴	اواتامساکا - سوترا ۲۲
	۲۰۳	۳	مہاپارینیروانا - سوترا
	۲۰۶	۲	اواتامساکا - سوترا ۷
	۲۰۹	۱	مہامایا - سوترا
	۲۱۰	۱	اواتامساکا - سوترا ۲۱
	۲۱۰	۵	مہاپارینیروانا - سوترا
فصل ۲			
۱	۲۱۲	۱	د ن ۳۱، سینگالو وادا - سوتّا
	۲۱۷	۴	۴ ان ۲-۴، ساماچیتّا - سوتّا
	۲۱۸	۴	۴ ان ۳-۳۱
	۲۱۸	۶	جاتاکا ۴۱۷، کاجّانی - جاتاکا
	۲۲۰	۵	د ن ۳۱، سینگالو وادا - سوتّا
	۲۲۱	۲	دھمّا پادا آتاکاتا ۱
۲	۲۲۲	۳	۳ ان ۴-۱۹۷
	۲۲۳	۳	۳ ان ۳۳۳-۵ اوگّاھا - سوتّا
	۲۲۴	۲	(تفاسیر برمہای)
	۲۲۴	۵	۵ ان ۵۹ - ۷، سوّجاتا - سوتّا
	۲۲۶	۵	د ن ۱۶، مہاپارینیبّانا، سوتّا
	۲۲۷	۵	سریمالا دوسیمانادا - سوتّا
۳	۲۳۰	۱	د ن ۱۶، مہاپارینیبّانا، سوتّا
	۲۳۱	۲	اواتامساکا - سوتّا ۳۴، گانداویوہا
	۲۳۲	۴	سووارناپرابھاسا - سوتّا ۱۲
	۲۳۳	۳	بودیساتوا - گوچاروپایا - ویشایا ویکوروانا - نیردشا - سوتّا

فصل ۳

۱	۲۴۰	۱	مهاپارینیروانا - سوترا
۷	۲۴۱		ان ۱۱۸-۳، سوچیان - سوتّا
۴	۲۴۳		س ن
۲	۲۴۴		وینایا، ماهاوآگا ۱-۱۰ و ۲
۴	۲۴۴		د ن ۱۶، مهاپارینیانا - سوتّا
۷	۲۴۵		وینایا، ماهاوآگا ۱-۱۰ و ۲
۵	۲۴۸	۲	س ن
۳	۲۴۹		چوین - کیو - سوترا
۵	۲۴۹		ویمالاکیرتی - نیردشا - سوترا
۱	۲۵۱		مهاپارینیروانا - سوترا
۵	۲۵۱		سوکاوتایووها - سوترای کوچک
۲	۲۵۲		ویمالاکیرتی - نیردشا - سوترا
۲	۲۵۳	۳	دهمّاپادا آتاکاتا ۱
۴	۲۵۳		ان ۲-۳۴
۳	۲۵۴		دهمّاپادا آتاکاتا ۱
۲	۲۵۵		ان ۱-۵
۳	۲۵۵		سرواستیوادا - سنگهاوداکا - واستو ۱۰
۲	۲۵۶		م ن ۸۶ - ۹، انگولیمالا - سوتّا
۲	۲۵۷		ان ۲-۲۶

پیوست‌ها

تاریخچه آئین بودا

۱. هند

یکی از بزرگترین رویدادها که عصر تازه‌ای در تاریخ معنوی بشر گشود، همانا درخشیدن «فروغ آسیا» در بخش میانی سرزمین هند بود، یا، به بیان دیگر، آن «چشمه خرد و رحمت عظیم» که از آنجا برجوشید، و در درازنای اعصار تا به امروز اندیشه آدمی را غنی و پر بار ساخته است.

بودا گائوتاما، که نزد پیروان بودایی متأخر بنام شاکيامونی یا «فرزانه خاندان شاکیا» شناخته شد، خان‌ومان را رها کرد، خرقة درویشی گرفت و براه جنوب، بسوی ماگادها، روانه شد. عقیده بر آن است که در سال‌های میانی سده پنجم پیش از میلاد بود که او سرانجام، در زیر یک درخت بودا، به معرفت نایل آمد. او از این هنگام تا روز «مرگ کبیر» خود، که با آن به ماها - پاری - نیروانا رفت، تلاش نستوه خویش را دنبال نمود و در همه این سال‌ها، سراسر سخن خرد و رحمت را موعظه کرد. به مایه این کوشش، آیین بزرگ بودایی در پادشاهی‌ها و قبایل میانی سرزمین هند، یکی پس از دیگری، پدیدار و استوار شد.

در دوره سلطنت آسوکا شاه (از ۲۶۸ تا ۲۳۲ پیش از میلاد) سومین پادشاه سلسله مائوریا، تعالیم بودا گائوتاما در سراسر هند گسترده شد و تا آن سوی مرزهای این سرزمین نیز تبلیغ گردید.

حکومت مائوریا نخستین نظام استوار پادشاهی در هند بود. این سلسله در زمان اولین پادشاهش، چاندرا گوپتا (۳۱۶ تا ۲۹۳ پیش از میلاد یا درین حدود)، قلمرو وسیعی را در حکومت خود داشت که از شمال به کوه‌های هیمالایا، از مشرق به خلیج بنگال، از مغرب به کوه‌های هندوکش و از جنوب تا آن سوی کوه‌های ویندیا می‌رسید. آسوکا شاه با شکست دادن کالینگا و دیگر سرزمین‌ها، گستره این قلمرو را به فلات دکن رساند.

گفته‌اند که این پادشاه بسیار آتشین طبع بود و مردم او را چانداسوکا (آسوکای آتشین) می‌نامیدند؛ اما پس از دیدن وضع فاجعه‌آمیز بار آمده از جنگی که به شکست و تصرف کالینگا انجامید، خوی او یکسره دیگرگون شد و این پادشاه سرسپردهٔ صادق سخن خرد و رحمت گشت. او پس ازین گرایش و در جایگاه یک دیندار بودایی کارهای بسیار انجام داد که از آن میان دو کار زیر بیش از همه شایستهٔ ذکر است:

نخستین کار او صدور «فرمان منقوش آسوکا» یا حک و نقش موازین حکومت، مبتنی بر تعالیم بودایی، بود بر ستون‌های سنگی یا بر صخره‌های تراش-داده شده، که فرمان داد تا در جاهای متعدد نگاشتند و بدینسان سخن بودا را پراکند. دوم آن که این پادشاه فرستادگانی به کشورهای دیگر و به هر سو فرستاد تا تعالیم خرد و رحمت را به ورای قلمرو او برسانند. کار برجسته در این میان، بویره، آن بود که فرستادگانی نیز به سرزمین‌هایی چون سوریه، مصر، سیرنائیک (لیبی)، مقدونیه و.. روانه شدند و آیین بودا را در اقصای جهان تا مغرب‌زمین نشر دادند. همچنین، ماهندرا (یا ماهیندا در زبان پالی)، فرستاده‌ای که راهی تامرا پارنی یا سیلان گردید به «مستقر ساختن این آیین زیبا در سرزمین دلپذیر لانکادویپا (لانکادویپا در زبان پالی)» توفیق یافت، و بدینگونه بنیادگر تبلیغ کارآمد تعالیم بودا در این جزیره شد.

۲. پیدایی آیین ماهایانا بودا

بوداییان متأخر کراراً از «جنبش خاور سوی بودایی» سخن گفته‌اند. اما در سده‌های پیش از میلاد، آیین بودا بطور نمایان به باختر روی داشت، تا که از آغاز تاریخ مسیحیت، آیین بودا «روی» خود را به سوی خاور گرداند. اما پیش از پرداختن به این روند، باید از دگرگونی بزرگی که در آیین بودا رخ می‌داد، سخن گوئیم. این دگرگونی چیزی جز همان «موج تازه»، که «آیین ماهایانا بودا یا گردونهٔ بزرگ آیین بودا» شناخته می‌شود، نبود، که ریشه و بنیاد قوم می‌گرفت و چون عامل برجسته‌ای در دیانت آموزی آن روزگار نمایان

می‌شد.

این که این «موج تازه» کی، چگونه و با چه کسی آغاز شد، هنوز بر هیچکس درست معلوم نیامده است. امروز همین اندازه می‌دانیم که: نخست، این روند باید در حوزه تاریخ انساب فکری مکتب ماهاسنگهیکا و بوسیله کاهنان پیشرو آزمان فراآورده شده باشد؛ دوم، آنچه مسلم است بعضی از اهم کتاب‌های مقدس ماهایانا هم در دوره سده‌های اول یا دوم پیش از میلاد بوده است؛ و هنگامی که اندیشه متعالی ناگار جونا، به‌یستوانه کتاب‌های مقدس ماهایانا، قوام یافت، آیین ماهایانا بودا خود را بروشنی پیشدار عرضه تاریخ این طریقت نشان داد.

در تاریخ دراز بودایی، آیین ماهایانا بودا سهم بسیار بزرگی دارد. اینک درباره چین و ژاپن پیداست که آیین بودا در این سرزمین‌ها تقریباً در سراسر تاریخ خود به مایه نفوذ تعالیم ماهایانا توسعه یافته است. این وضع شکفت نمی‌نماید، چرا که در این مکتب طریقت نوینی برای رستگار ساختن گروه‌ها و رده‌های مردم پرداخته آمد، که قدیسین زنده را در هیئت بودیساتواها برای به انجام رساندن این غایت مطلوب فراهم داشت؛ همچنین در کار یاری رساندن به مردم، ثمرات فکر اندیشمندان ماهایانا در زمینه‌های ماوراءالطبیعه و روانشناسی، واقعاً شگرف بود. بدینسان ماهایانا بودا، هر چند که از یکسو با تعالیم گائوتاما بودا پیوند یافت، بسی منازل خرد و رحمت به آن افزون شد. آیین بودا، با این افزوده‌های نو، سرشار از شوق و توان گردید و رفت تا چونان سیلاب خروشان و دمان پهن رودی - سرزمین‌های خاور را سیراب سازد.

۳. آسیای مرکزی

آیین بودا نخست از سوی کشورهای آسیای مرکزی به چین راه یافت. از این رو، در بحث از گسترده شدن تعالیم بودا از هند به چین، باید که از راه ابریشم سخن به میان آورد. این راه از پهنه سرزمین‌های بیکران آسیای مرکزی می‌گذشت و غرب را به شرق می‌پیوست، و به روزگار امپراتور «وو» از پادشاهان سلسله هان (که از ۱۴۰ تا ۸۷ پیش از میلاد سلطنت داشت) بود که این راه بازرگانی گشوده شد. در آن روزها، قلمرو امپراتوری هان تا اقصای باختر کشیده می‌شد، و در کشورهای مجاور چین مانند فرغانه، سغدیان، تخارا و حتی پارت روح سوداگری که با جهانگشایی اسکندر برانگیخته شده بود هنوز گرم و زنده بود. در مسیر این جاده باستانی که از سرزمین‌های یاد شده می‌گذشت، ابریشم اهمیت نخستین داشت، و از این رو جاده ابریشم نام گرفت. از تاریخی نزدیک یا کمی پس از آغاز عصر مسیحیت، چین و هند تماس‌های فرهنگی را آغاز نمودند که نخست توسط راه بازرگانی بود. پس می‌توان گفت که این جاده مسیر انتقال و گسترش آیین بودا هم بوده است.

۴. چین

تاریخ آیین بودا در چین از پذیرفته شدن کتب مقدس بودایی و ترجمه‌های آن نزد چینیان آغاز می‌شود. قدیمی‌ترین کتاب بازمانده از روزگار باستان را «سو - شی - ار - چانگ - چینگ» (سوترا در چهل و دو بخش از زبان بودا) می‌دانند و این ترجمه‌ای است که به دست کاسیا پاماتانگا و دیگران در دوره یینگ - پینگ (۵۸ تا ۷۶ م) در امپراتوری مینگ از سلسله مؤخر هان شرقی انجام گرفته است، اما امروزه داستانی افسانه‌وار و تردیدپذیر شناخته می‌شود. عقیده معتبر اینک امتیاز و فضل تقدّم را از «آن - شی - کائو» می‌داند که در سال‌های ۱۴۸ تا ۱۷۱ میلادی به ترجمه متون در لو - یانگ پرداخت. از این تاریخ تا عهد سلسله سونگ شمالی (۱۱۲۹-۹۶۰ م) کار ترجمه این متون - نزدیک به یک هزار سال - ادامه یافت.

در سال‌های پیشتر این دوره کسانی که در معرفی کتاب‌های مقدس و ترجمه این متون سهم اصلی را داشتند بیشتر راهبان ممالک آسیای مرکزی بودند؛ چنانکه آن - شی - کائو، که پیشتر از او نام برده شد، از پارت آمد؛ کانگ - سنگ - کای از ناحیه سمرقند و در حدود سده سوم به لو - یانگ آمد و سوکاو تا ویوها (کتاب زندگی بیکران) را ترجمه کرد. همچنین چو - فا - هو یا دهرمارکشا که مترجم سادارما پونداریکا شناخته می‌شود، از تخارا آمد و از اواخر سده سوم تا اوایل سده چهارم در لو - یانگ یا چانگ - آن زیست. هنگامی که کومارا جیوا در اوایل سده پنجم از کوش (به چین) آمد، کار ترجمه در اینجا به اوج رسیده بود.

از همین سال‌ها کاهنان (چین) برای آموختن زبان سانسکریت راه هند در پیش گرفتند. پیشاهنگ این کاهنان فا - هسین (?۴۲۰-۳۳۹ میلادی) بود. او به سال ۳۹۹ از چانگ - آن روانه هند شد و پس از پانزده سال به کشورش بازگشت. از میان کاهنانی که به هند رفتند، برجسته‌ترین همه هسوان - جوانگ (۶۶۴-۶۰۰م) بود که به سال ۶۲۷ رهسپار هند شد و در سال ۶۴۵ پس از نوزده سال به چین بازگشت. همچنین آی - چینگ (با نام کتاب آی - چینگ اشتباه نشود) به سال ۶۷۱ از راه دریا روانه هند شد و پس از بیست و پنجسال از همان راه به چین باز آمد.

این کاهنان به همت خود به سفر هند رفتند و بعضی کتاب‌های مقدس (بودایی) را به انتخاب خود به چین آوردند و در ترجمه این کتب سهم عمده داشتند. کار ترجمه و زباندانی هسوان - جوانگ به ویژه برجسته بود و با تلاش پرتوان او ترجمه کتاب در چین به اوج تازه‌ای رسید. بعدها دانشمندان بودایی ترجمه‌های کاهنان پیشین را که کومارا جیوا در میانشان ممتازست «ترجمه‌های قدیم» خواندند و کارهای هسوان - جوانگ و مترجمان متأخر را «ترجمه‌های تازه» نامیدند.

بر پایه این شمار هنگفت مجلداتی که کاهنان از سانسکریت برگرداندند، اندیشه و فعالیت مکتبی این دانشمندان به تدریج، اما استوار، به سوی چینی-شدن گرایید. در اینجا طبیعت نژادی، نیازها و اعتمادها خود را نشان دادند. این که کاهنان در مراحل آغازین ذهن‌هایشان را به گونهٔ ماوراءالطبیعه به ویژه بسوی «بی‌ذاتی» که «پراجنا»ی سوترا به آن پرداخته است، گرداندند، نمودی از این گرایش بود. در مرحلهٔ بعدی، آنان مفهومی را که «هینایانا» یا «گردونهٔ کوچک» نامیده می‌شود، کنار نهادند، و توجه خود را همه به سوی «ماهایانا» یعنی «گردونهٔ بزرگ» گرداندند. و نیز، این گرایش رفته رفته در فرقهٔ تِنْدای (بودایی) نیز نمایان شد و شاید بتوان گفت که با ظهور فرقهٔ ذِن به اوج رسید. در نیمهٔ اخیر سدهٔ ششم (میلادی) بود که فرقهٔ تِنْدای به کمال پیشرفت خود در چین رسید، که آن به دست تِنْدای دایشی، چی - یی (۵۹۷ - ۵۳۸م) سومین شیخ بزرگ این طایفه انجام گرفت. او یکی از برجسته‌ترین مردان در تفکر بودایی بود و طبقه‌بندی سنجیدهٔ تعالیم بودا در پنج دوره و هشت نظریه که این عارف پرداخته، دیرزمانی بر جهان بودایی چین و نیز ژاپن تأثیر گسترده داشته است.

مروری (بر تاریخ انتقال آیین بودا) نشان می‌دهد که سوتراهای مختلف را بی‌توجه به ترتیب تاریخی اصل این متون، به چین آوردند و پس از رسیدن به آنجا به چینی برگرداندند. در برابر انبوه این سوتراها مسأله این بود که چگونه اصالت آن‌ها را بشناسند و ارزیابی نمایند. پس ناگزیر شدند که آیین بودا را در کلیت آن ارج نهند و نشان دهند که موقع انسان برحسب درک خود از آن، چگونه باید باشد. در کار ارزیابی سوتراها، پیش از هر چیز، روند تفکر چینی جلوه دارد. در رأس این همه، اندیشهٔ چی - یی منضبط‌ترین آن‌ها بود، و از این رو، به وجهی شایان، نافذترین آن‌ها. اما، در برابر تحقیقات بودایی عصر جدید، همان نفوذ مسلط نیز ناگزیر به پایان آمد.

در تاریخ آیین بودا در چین «دیررس‌ترین پدیده» فرقه ذن است. گفته می‌شود که بنیادگر این فرقه، سرامانا، از يك کشور بیگانه، یا بودی دهرما (متوفای ۵۲۸ میلادی) بوده است؛ اما بذری که او نشانند، دیرزمانی بعد و پس از دوره هوی - ننگ (۷۱۳-۶۳۸م) ششمین عارف بزرگ این سلسله، گل- افشان شد. پس از سده هشتم، این فرقه در چین بسیاری کاهنان هوشمند را یکی از پی‌دیگری بار آورد و رونق و سعادت را قرن‌ها ارمغان ذن داشت.

می‌بینیم که (این مکتب) راه تفکر تازه‌ای در آیین بودا بود که در طبع مردم چین ریشه و مایه داشت. این پدیده چیزی نبود جز آیین بودایی رنگ- یافته از طریقه تفکر چینی. و اینک، رود روان تعالیم بودا گائوتاما، که این جویبار تازه به آن افزوده شده بود، رودی باز هم پر پهنه‌تر شد و به سیراب و سرشار ساختن سرزمینهای شرقی رفت.

۵. ژاپن

تاریخ آیین بودا در سده ششم آغاز شد. در سال ۵۳۸ میلادی پادشاه پوچی (کودارا یا کره) فرستاده‌اش را به دربار امپراتور کین می فرستاد تا يك پیکره بودایی و تومار نوشته‌ای از سوتراها پیشکش کند. این سفارت، نخستین عرضه داشت آیین بودا به این کشور بود. بنابراین تاریخ آیین بودا در ژاپن اکنون از ۱۴۰۰ سال افزون است.

در این تاریخ دراز، آیین بودایی ژاپنی را در سه مرحله می‌توان نگرست: مرحله نخستین را می‌شود بطور کلی بر قرن‌های هفتم و هشتم بار کرد. برای معرفی نمادین این دوره می‌توانیم به معبد هوریوجی (ساخته ۶۰۷م) و معبد تودایجی (ساخته ۷۵۲م) که در این سال‌ها بنا شد، اشاره کنیم. در بازنگری به این دو سده، آنچه را که نباید از چشم دور داشت آن است که در این دوره موج فرهنگ در سراسر آسیا به اوج بی‌سابقه‌ای رسید، حال آنکه تمدن غرب در

ژرفای ظلمت فرو ماند. خاورزمین در این روزگار در کار پیشبرد جنبشی برجسته با تلاش و توان شگفت‌انگیز بود. در چین، آسیای مرکزی، هند و در ممالک دریای جنوب، روند فعالیت‌های فکری، دینی و هنری پرشتاب و نیرومند بود. آیین بودا با پیوستن به این حرکت‌ها، جهان خاور را با موج پر پهنه انسانگرایی خود در می‌نوردید؛ و این پیشرفت تازه فرهنگ ژاپن، که بنای معبد خیره‌کننده هوریوجی و معبد شکوهمند تودایچی گواه بر آن بود، و نیز در فعالیت‌های متنوع عقیدتی و هنری فرا آمده با این رویدادها نمودار گردید، این جاذبه را در انتهاالیه شرقی موج فرهنگی فراگیر سراسر پهنه آسیا، نشان می‌دهد.

مردم این کشور، که دیرزمانی دور از تمدن بودند، اینک از چشمه فرهنگی متعالی سیراب شدند؛ شکوفه تمدن بناگاه بر آنان شکفت. این نیک‌بختی‌ای بوده که در این سده به ژاپن روی کرد، و قهرمان نخستین در عروج این فرهنگ، جز آیین بودا چیز دیگری نبود؛ معابد بودایی آن روزگار مراکز اجتماعی بسیار مهمی شد، و کاهنان رهبران تعلیم آیین تازه بودند. در این محیط نه همان یک آیین، که یک فرهنگ بزرگ پر دامنه بار آمد. وضع آیین بودا که از جایی دیگر آمد و نهالش در این سرزمین پیوند زده شد، چنین بود.

در سده نهم، دو کاهن بزرگ، سایچو (دنگیو دایشی، ۸۲۲ - ۷۶۷م) و کوکای (کوبو دایشی، ۸۳۵ - ۷۷۴م) ظهور کردند و دو فرقه بودایی بنیاد کردند که معمولاً این دو مکتب را با هم آیین بودائی هیان گویند. بنیاد این مکتب‌ها به منزله تأسیس آیین بودایی خالص ژاپنی بود. این دو کاهن آیین بودا را در جایگاه سنت اصیل آن دریافتند و دیرهای کانونی آنرا - اولی در کوه هی‌یی و دومی در کوه کویا ساختند. این دو فرقه باطنی یعنی تندای و شین-گون طی سیزده سال از بنیادشان تا دوره کاماکورا، و بیشتر در میان اعیان و در دربار امپراتوران، ارج و اعتبار داشتند.

دومین دوره تاریخی آیین بودا در ژاپن را می‌توان سده‌های دوازده و سیزده شمرد. در این دوره کاهنان بزرگی چون هونن (۱۲۱۲-۱۱۳۳م)، شین ران (۱۲۶۲-۱۱۷۳م)، دوگن (۱۲۵۳-۱۲۰۰م) و نیچی رن (۱۲۸۲-۱۲۲۲م) پیدا آمدند. در مرور تاریخ آیین بودا نمی‌توان از این کاهنان بزرگ یاد نکرد. پس چگونه بود که همین دو سده، چنین مردانی برجسته بار آورد؟ این پدیده از آنجا بود که در آن دوره مسأله مشترکی رویاروی همه آنان قرارداشت. این مسأله مشترک چه می‌توانست باشد؟ شاید مسأله آن بود که آیین بودا پذیرفته شود، اما به راه یگانه ژاپنی آن.

این پاسخ شاید که پرسش دیگری پیش آورد: «چرا چنین بود؟ مگر نه آن که آیین بودا، دیرزمانی پیش از آن به این کشور شناسانده شده بود؟» از نظر تاریخی چنین بود. اما این نیز واقعیت دارد که قرن‌ها لازم بود تا مردم این سرزمین بتوانند آیین آورده شده از جای دیگر را هضم کنند و دگرگون سازند تا آن را یکسره از آن خود نمایند. کوتاه آن که، کار و تلاش در این کشور برای پذیرفتن آیین بودا در سده‌های هفتم و هشتم آغاز گردید، و در نتیجه این تلاش‌ها، نهال این آیین به پامردی بزرگان بودایی سده‌های دوازدهم و سیزدهم شکوفا شد.

آیین بودا در ژاپن از آن پس و بر پایه بنیادی که آن کاهنان برجسته نهاده بودند، تا به امروز کارساز مانده است. از هنگام پیدایی آن بزرگمردان، فروغ این دو قرن دیگر هرگز در تاریخ بودایی ژاپن باز نتابیده است. اما، بر نویسندگان این سطور چنین می‌نماید که چیزی دیگر در میان است که توجه ما را به خود می‌گیرد و آن ثمره تحقیقی است که در عصر نوین در آیین اصیل بودا شده است.

آیین بودا در ژاپن از همان نخستین شناخت از آن عملاً یکسره از مکتب

ماه‌ایانا و در نفوذ آیین بودایی چینی بوده است. بویژه پس از ظهور مشایخ بزرگ در سده‌های دوازده و سیزده، تعالیم ماه‌ایانا جریان اصلی، و بنیادگذاران فرقه‌های ژاپنی بودایی - محور آن بودند؛ این نگرش تا به امروز ادامه یافته است. در چنین زمینه تاریخی آیین بودا در ژاپن، مطالعه آیین بنیادی بودا از نیمه دوم عصر میجی (۱۹۱۲-۱۸۶۸م) آغاز شد. بیکره بودا گاو تاما در پیش چشم آنانی که می‌خواستند از یاد ببرند که جز مؤسسان فرقه‌ها، بنیادگر اصل آیین بودا نیز بوده است، باز به روشنی نمایان آمد، و بر کسانی که به چیزی جز تعالیم ماه‌ایانا اعتنا نداشتند روشن شد که اعتقاد بنیادی بودایی هم وجود دارد. این مراحل و نمودهای تازه همچنان زمینه پژوهش و کنکاش علمی است و هنوز نیرو و انسجام بایسته را برای انگیختن شوق و شور اعتقادی مردم نیافته است. اما چنین می‌نماید که دانش مردم ژاپن از آیین بودا در جریان تحوّل است. نگارنده می‌خواهد که این جریان را نقطه عطفی بداند، و سومین یا آخرین مرحله از دوره بندی یاد شده بشمار آورد.

نشر و انتقال تعالیم بودا

آیین بودا طریقتی است بنیاد شده بر پایه تعالیمی که شاکیامونی طی چهل و پنجسال از زندگیش تقریر کرد. از این رو کلماتی که او در سخن خود آورد، در این طریقت اعتبار مطلق دارد، و هرچند که ۸۴,۰۰۰ دروازه دهرما و بسیاری مکتبها در این آیین وجود دارد، همه آنها به کتابهای مقدس شاکیامونی بستگی دارند. کتابهایی که تعالیم بودا در آن ثبت است بنام ایسایکیو یا دایزوکیو یعنی مجموعه کامل کتابهای مقدس نامیده می‌شود. شاکیامونی به ارزش و ذات آدمیان تأکید کرد و تعلیم خود را به زبان روشن و ساده گفت‌وگو بیان نمود تا همه کس آن را خوب دریابد. او تا به لحظه مرگش در هشتاد سالگی همچنان به راه خیر و صلاح مردم از هر رده و گروه، در موعظه بود.

پس از مرگ شاکیامونی، شاگردانش این سخنان آسمانی را چنانکه شنیده و آموخته بودند موعظه کردند. اما در جریان نشر و انتقال و بازگویی، شاید که تغییراتی بر اثر سهو و اشتباه ناخودآگاه شاگردان در آنچه که شنیده و آموخته بودند، در این تعالیم پیدا آمد. درست آن است که سخنان شاکیامونی را همواره دقیق و صحیح منتقل نمود، و باید که به همه مردم و هر کسی، یکسان فرصت شنیدن این تعالیم را داد. از این رو، بسیاری از کاهنان ارشد گرد هم آمدند تا با خواندن و بازگویی هر آنچه که هر یک از آنان شنیده بود و مقابله و تطبیق این قول، متن منقح و منسجمی از سخنان شاکیامونی فراهم آوردند، و ماهها در این کار به بحث و گفتگو گذراندند. ثمره این تلاش متنی است که کتسوجیو یا متن منضبط خوانده می‌شود. این متن نشان می‌دهد که اینان با چه تعهد و باریک‌بینی کوشیده‌اند تا عین سخنانی را که آن معلم بزرگ به زبان آورده بود، باز یابند و نشر دهند.

کلام شاکیامونی که بدینسان منقح شده بود، به نگارش در آمد. حواشی و

تفاسیری هم که علمای بودایی بعد از شاکیامونی آورده بودند، به متن افزوده شد که این اضافات رُن یا تفاسیر نام گرفت. اصل سخنان بودا، تفاسیر افزوده شده بر آن در دوره‌های بعد و احکام و فرایض بودایی بر رویهم سازوکیو (سه بخش کتاب‌های مقدس بودایی) یا به زبان سانسکریت تریپیتاکا نام گرفت. سازوکیو یا تریپیتاکا شامل کیوزو، ریتسوزو و رُنزو است. کلمه یا پساوند زو به معنی ظرف یا مخزن می‌باشد. مراد از کیو نوشته‌های مقدس بودایی، ریتسو احکام و فرایض اُخوت بودایی، و رُن تفاسیر نوشته‌ی مشایخ بزرگ است.

بنا به سنت، گفته می‌شود که آیین بودا به سال ۶۷ میلادی و در دوره پادشاهی امپراتور مینگ از سلسله متاخرهان باختری (۲۲۰- ۲۵ م) به چین آورده شد. اما در واقع چهل و هشت سال پس از این تاریخ بود که نوشته‌های مقدس بودایی به وسیله امپراتور هوان از همان سلسله به چین عرضه و در آنجا ترجمه شد (به سال ۱۵۱ م). از این تاریخ در دوره‌ای که بیش از ۱۷۰۰ سال کشید، تلاش برای برگرداندن این متون مقدس به زبان چینی همچنان ادامه داشت. شماره ترجمه‌هایی که ثمره این تلاش بود به ۱۴۴۰ کتاب در ۵۵۸۶ مجلد رسید. از همان آغاز امپراتوری سلسله وی کوشش‌هایی برای حفظ این ترجمه‌ها می‌شد، اما کار چاپ این متون از حدود دوره سلسله سونگ شرقی آغاز گردید. از همین اوان نیز نوشته‌ها و تفاسیر کاهنان بزرگ چین رفته رفته به این متون بودایی افزوده شد و دیگر جا نداشت که این کتابها را تریپیتاکا بخوانند. با فرا آمدن دوره سوئی به این کتاب‌ها عنوان ایسایکیو یا مجموعه کامل نوشته‌های مقدس، داده شد، و در دوره امپراتوری تانگ آن‌ها را با عنوان تازه دایزوکیو یا مجموعه همه نوشته‌ها، قوانین و عهدنامه‌های بودایی، خواندند.

آیین بودا در حدود سده هفتم میلادی در تبت شناخته شد، و نزدیک به یکصد و پنجاه سال طی سده‌های نهم تا یازدهم میلادی تلاش برای برگرداندن متون مقدس بودایی در کار بود، و عملاً همه این متون تا سده یازدهم ترجمه شد.

با توجه به این واقعیت که این متون نه فقط به کره‌ای، ژاپنی، سیلانی، کامبوجی، ترکی و تقریباً همهٔ السنهٔ شرقی، بلکه به زبان‌های لاتین، فرانسه، انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی هم برگردانده شده، با اطمینان می‌توان گفت که بسط برکت تعالیم بودا اینک به هر گوشه و کنار عالم گسترده است.

اما در بازاندیشی حال و با نگرش از دیدهٔ کیفیت به ترجمه‌ها، و از دریچهٔ تاریخ بنیاد این آیین و گسترش آن طی بیش از دو هزار سال، با شمارهٔ ده هزار یا بیشتر ترجمه‌ای که پرداخته شده است، در یافتن معنای حقیقی سخنان شاکيامونی، حتی با توسل به «دایز و کیو»، هنوز دشوار می‌نماید. از این رو ناگزیر باید که نکته‌های اصلی را از «دایز و کیو» بگیریم و آن را زمینه یا بنیاد ایمان بودایی خود سازیم.

در آیین بودا برترین مأخذ و سند، همانا کلماتی است که شاکيامونی گفته است. پس، هدایت آیین بودا باید تعالیمی باشد پیوسته و مأنوس با حقایق زندگی هر روزهٔ ما؛ وگرنه از نفوذ به ژرفای دل و اندیشهٔ آدمی و واداشتن او به ایمان نهادن به این رهنمود، در خواهد ماند. در این بینش، برای آن که تعالیم بودا در جان و دل آدمی بنشیند، مطلوب آن است که روشن و ساده، یکسان نگر در کیفیت، کارآمد از جهت فراگیر بودن، و در این حال دقیق و نیز آشنا با سخن گفت و گوی هر روزه‌مان، باشد.

این کتاب در پرتو ملاحظات یاد شده فراهم آمده و از «تندرد» دایز و کیو با تاریخ دو هزار و چند صد سالهٔ آن سیراب شده است. البته که این کتاب را نمی‌توان در محتوی کامل دانست. سخنان بودا را معنایی بی‌نهایت ژرف است و فضیلت‌های او چنان بیکران که پهنهٔ آن را آسان نتوان دریافت.

پس صمیمانه آرزو دارد که این کتاب در چاپ‌های منقح آتی که نیت ناشر است، مجلدی حقایق‌شناس‌تر و ارزنده‌تر از کار در آید.

تاریخچه کتاب «چنین گفت بودا»

نوشته این کتاب مبتنی است بر متن اصلی ویراسته و کامل شده «ترجمه جدید متن بودایی» که در ماه ژوئیه ۱۹۲۵ به وسیله «انجمن نشر ترجمه جدید متن بودایی» به ریاست روحانی والامقام موان کیزو منتشر شد. نخستین چاپ ژاپنی کتاب به وسیله دکتر شوگاگو یامابه و دکتر شیزن آکانوما با همکاری بسیاری از دانشمندان بودایی در ژاپن فراهم آمد و کار نشر آن پنج سال انجامید.

در عهد شووا (دوره امپراتور کنونی ژاپن که از سال ۱۹۲۶ آغاز شده است) نسخه رایج نوشته‌های بودایی نیز بوسیله این انجمن طبع و در سراسر ژاپن وسیعاً منتشر شد.

در ماه ژوئیه ۱۹۳۴ که اجتماع جوانان بودایی حوزه اقیانوس آرام در ژاپن برگزار گردید، اتحادیه سراسری جوانان بودایی ژاپن ترجمه انگلیسی نسخه رایج نوشته‌های بودایی را انتشار داد و به سال ۱۹۶۲ به هان نوماتا بنیادگذار شرکت میتوتویو، برگردان انگلیسی «تعالیم بودا» را خود منتشر نمود.

در سال ۱۹۶۵ که به هان نوماتا «بنیاد ترویج آیین بودا» را در توکیو تأسیس کرد، ترویج این نسخه انگلیسی در جهان یکی از فعالیت‌های این بنیاد به شمار آمد.

در انجام این مقصود و برای بازنویسی نسخه انگلیسی «تعالیم بودا»، در سال ۱۹۶۶ کمیته‌ای مرکب از استادان: کازو یوشی کینو، شوئیو کاناوکا، زتو ایشیگامی، شینکو سایه‌کی، کوءدو ماتسونامی، شوءجون باندوء و تاکه‌می تاکاسه بنیاد شد. این کمیته با همکاری چندتن دیگر نسخه تازه‌دو-زبانۀ ژاپنی - انگلیسی کتاب را مرتب نمود که به وسیله بنیاد به چاپ رسید.

در سال ۱۹۷۲ بازنویسی تازه‌ای از این نسخه تهیه گردید و این رویه

برای چاپ‌های بعدی دنبال شد و هر بار نسخه ویراسته‌تری ارائه گردید تا که در ماه اکتبر ۱۹۸۱ چهارمین چاپ ژاپنی - انگلیسی کتاب (علاوه بر چاپ‌های ژاپنی یا انگلیسی یا متون دوزبانه به ژاپنی و چند زبان دیگر) فراهم شد.

در سال ۱۹۸۲ برنامه گسترده و دیراندیشیده بنیاد ترویج آیین بودا برای انتشار کتاب تعلیم بودا یا «چنین گفت بودا» به ۷۵ زبان زنده دنیا به آستانه انجام رسید و در نخستین مرحله ترجمه و نشر این کتاب به چند زبان از جمله اسپانیولی، پرتغالی، تایلندی و فارسی آغاز گردید. ترجمه کتاب به این زبان‌ها با بررسی وسیع و دقیق بنیاد ترویج آیین بودا و تماس با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیق و ترجمه و بیاری پژوهندگان و مترجمان آشنا با ادب و معارف زبان مورد نظر و مرجحاً در گروه‌های تحقیق و ترجمه بخش زبان‌های خارجی دانشگاه‌های معتبر انجام می‌گیرد و مبنای ترجمه‌ها بیشتر متن ژاپنی و انگلیسی می‌باشد.

نسخه فارسی کتاب «چنین گفت بودا» که اینک پیش چشم شما خواننده فارسی زبان است بوسیله دکتر هاشم رجب‌زاده استاد مدعو دانشگاه مطالعات خارجی توکیو (توکیو گایکوکوگو دایگاکو) زیر نظر آقای پروفیسور ت. کورویاناگی استاد و رئیس این بخش و از روی متون انگلیسی و ژاپنی کتاب فراهم آمده است. به موهبت غنای روح و پیکر زبان فارسی که از سرچشمه عرفان و ارزش‌های والای معنوی اسلامی و ایرانی سیراب و سرشار شده و به الماس بی‌بهای ادب پارسی صیقل یافته است، گمان آن دارد که ترجمه کتاب تعلیم بودا بیش از ترجمه زبان‌های دیگر و خاصه برگردان آن به السنه غربی، با جان و جوهر کلام بودا آشنا باشد.

بنیاد ترویج آیین بودا با تشکر از محققان بخش فارسی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو امید دارد که نغمه آسمانی بودا در بلند آسمان زبان و ادب پارسی گوش جان خوانندگان حقایق‌شناس را آرام‌بخش و نوازشگر آید.
فوریه ۱۹۸۳

راهنمای مباحث کتاب «چنین گفت بودا»

بند	صفحه	زندگی بشر
۳	۵	معنی زندگی
۵	۹۶	واقعیت این جهان
۶	۲۴۹	راههای مطلوب زندگی
۶	۴۴	دیدهای نادرست از زندگی
۳	۴۱	درک درست از زندگی
۳	۵۷	زندگی زیانکار
۱	۱۲۷	به کسانی که فریب خورده و از راه به در شده اند (حکایت)
۴	۹۰	داستان زندگی بشر (حکایت)
		اگر آدمی زندگی پُر شور و شهوت در پیش-
۲	۹۰	گیرد (حکایت)
		دیدن سالمندان و بیماران و مردگان ما را چه
۴	۹۳	آموزد (داستان)
۴	۹۴	مرگ را گزیر نباشد (داستان)
۴	۴۸	پنج کار که از کسی در جهان برنیاید
۶	۴۸	چهار حقیقت جهان
۳	۴۹	وهم و معرفت هر دو از دل و اندیشه برآید
		بیست کار که انجامش برای مردم عادی دشوار،
۲	۱۳۳	اما ارزنده است
		ایمان.
۴	۱۷۹	ایمان آتشی است که امیال نفسانی را بسوزد
۵	۱۸۰	ایمان سه جنبه برجسته دارد
۱	۱۸۲	ایمان تجلی معرفت است
۲	۱۸۱	دل و اندیشه مؤمن، دل و اندیشه صدق و صفا است

بند	صفحه	
		یافتن حقیقت همان اندازه دشوار است که جمعی
		نابینا بخواهند با لمس کردن فیل هیئت واقعی آنرا
۲	۷۵	وصف کنند (حکایت)
		جان بودایی مردم با نور ایمان به آنان نموده
۵	۷۷	می‌شود (حکایت)
۴	۷۳	شور و هواها حجاب جان بودایی است (حکایت)
۴	۱۸۲	شك، سنگِ راهِ ایمان می‌شود
		بودا بر همهٔ جهان پدر است و نوع بشر همه فرزندان
۴	۳۵	او هستند
۳	۳۴	خرد بودا به پهنه و ژرفای اقیانوسی عظیم است
۲	۱۵	جان بودا آکنده از رحمت عظیم است
۲	۱۶	رحمت بودا ازلی است
۶	۱۳	بودا نه آن تن خاکی است
۶	۲۳	بودا در سراسر عمر خود تعلیم داد
		بودا مجاز زندگی و مرگ را در کار آورد تا
۵	۲۳	مردم را به خود آورد
۲	۱۹	آوردن امثال در اثبات سخن
۱	۲۱	آوردن امثال در اثبات سخن
۳	۲۵۱	جهان معرفت
		ایمان آوردن و تسلیم شدن به بودا، به دهرما
۱	۱۷۸	و به سنگها
		آموختن راه‌های انجام فرایض طریقت، تمرین تمرکز
۳	۱۶۳	ذهن و به خرد رفتار کردن
۴	۱۶۶	طریقت هشت منزلت والا
۶	۱۶۸	شش مرحلهٔ سلوک برای رسیدن به کرانهٔ دیگر معرفت
۴	۱۶۸	چهار روش درست

بند	صفحه	
۹	۱۶۷	چهار بینشی که باید در کار داشت
		چهار نیروی ذهنی که برای رسیدن به معرفت
۵	۱۶۸	باید در کار آورد
۲	۱۷۱	چهار حال نامتناهی دل
۴	۳۹	کسانی که حقایق والای چهارگانه را بشناسند
۶	۱۲	مرگ آدمی و گذرا بودن زندگی
		کسانی که نام امیدا بودا را بر زبان دارند در سرزمین
۱	۱۱۳	پاک و متولد خواهند شد
۴	۱۰	از وجود خود روشنائی بساز، به خود تکیه کن
		پروردن اندیشه
۲	۱۵۰	آدمی باید بنگرد و اولویت را در کار دریابد. (حکایت)
۱	۱۳۳	نخستین گام‌ها را در راه معرفت به دقت بردار
۳	۱۵۲	هدف را از یاد مبر (حکایت)
		برای موفق شدن در هر کار آدمی باید که بسی
۴	۱۵۸	سختی‌ها را به جان بخرد (داستان)
		اگر هم پی در پی شکست یابی، باز از راه مقصود روی
۳	۱۷۳	برمتاب (داستان)
		مگذار که وضع و حال نامطلوب - اندیشه‌ات را پریشان
۵	۱۲۴	دارد (داستان)
		کسانی که طریقت والا را بشناسند و دنبال کنند، چنان
۳	۴۰	است که در تاریکی چراغ با خود بردارند
		در همه جا، از هر دیدن و شنیدنی می‌توان حکمت
۲	۱۶۲	زندگی آموخت

		مردمان طبع آن دارند که در سویی روند که
۵	۱۲۱	دل و اندیشه‌شان آنجا برَد
		نکته سخن در تعالیم بودا، مهار داشتن اندیشه
۳	۱۱	خویش است
۱	۲۱۲	پیش از هر کار، اندیشه خود را مهار دار
۱	۱۲۲	چون که اندیشه را بیایی....
۳	۱۱۸	هواهای گوناگونِ دل (حکایت)
۵	۴۶	اندیشه وجود قائم به ذات نیست
۵	۱۰	مگذار که اندیشه بر تو چیره باشد
۲	۱۵۴	اندیشه خود را در اختیار گیر
۴	۱۱	دل و فکر خود را در فرمان دار
۲	۸۷	همه نابکاری‌ها از تن و زبان و اندیشه برآید
۳	۱۲۵	رابطه اندیشه و زبان
۲	۱۴۳	تن آدمی همانا عاریتی است (داستان)
۵	۱۳۰	این تن آکنده از هرگونه آرایش است
۵	۱۰	به هیچ چیز اتکاء مکنید مگر به..
۳	۱۲۳	تن و زبان و اندیشه را پاك نگاهدار
۴	۱۷۲	یکسان نگر و سخت‌کوش باش (داستان)
		رنج آدمی
۵	۴۲	رنج و درد آدمی از هواها و تعلق‌ها خیزد
۳	۱۳	راه جلو گرفتن از درد و رنج‌ها
۵	۵۹	وجود وهم و جهل به واسطه معرفت است
۱	۱۱۶	چگونه از بند درد و رنج رها توان شد

		چون آتش هواهای دنیوی فرو نشانده شد،
۵	۱۴۱	شهد گوارای معرفت را توان چشید
۴	۸۵	شہوت زمینہ و مایہ ہمہ ہواہای دیگر است
		شہوت را چون افعی دان کہ در گلستانی
۵	۸۵	پنہان باشد
۴	۱۹	دلہستہ خانہ آتش گرفتہ مہاش (حکایت)
۲	۱۱۸	ہر شرّ و بدی از شور و شہوت برآید
۵	۸۲	این جہان سرایی در آتش افتادہ است
		آدمی چون در پی نام و جاہ رود، چنان است کہ خود را
۴	۱۱۹	در آتش بسوزد
		اگر کسی بہ دنبال ثروت و شہرت باشد، خود را
۵	۱۱۹	تباہ کند
۲	۱۳۴	مرد دانا و آدم نابخرد در طبع و ذات متفاوتند
۱	۱۴۱	نابخردان اشتباہات خود را درنیابند (حکایت)
		نادانان ہمان دستاوردها را بینند و بر نیک بختی دیگران
۲	۱۴۱	غبطہ خورند (حکایت)
۱	۱۴۷	راہ و شیوہای کہ مردم نابخرد در کار دارند (حکایت)
		زندگی روزانہ
۵	۱۶۹	چون کہ احسان کردی، بہ آن میندیش
۳	۱۷۰	ہفت گونه احسان کہ بی بذل مال توان کرد
۳	۱۴۵	راہ ثروت یافتن (داستان)
۴	۱۳۲	سعادت چگونہ یافتہ شود
۱	۱۳۹	خوبی ہایی را کہ دیدہ ای هیچگاہ از یاد مبر

بند	صفحه	
۲	۸۹	گونه‌گونی‌های سیرت مردمان
		نگون‌بختی همواره بدرقه راه کسی است که تسلیم
۲	۱۳۲	هوای انتقام شود
۳	۲۴۶	چگونه می‌توان بر خشم لگام زد (داستان)
۳	۱۲۲	از سخن ناهنجار دیگران میاشوب (داستان)
۴	۲۰۵	زندگی تو از بهر جامه و خوراک و خانه نیست
۱	۱۱۷	خوراک و تن‌پوش نه برای راحت و لذت است
۳	۲۰۸	هنگام غذا خوردن به چه باید اندیشید..
۴	۲۰۷	هنگام جامه پوشیدن به چه باید اندیشید
۷	۲۰۸	هنگام غنودن به چه باید اندیشید
۴	۲۰۸	در گرما و سرما باید چه اندیشه داشت
۴	۲۰۶	در زندگی هر روزه به چه باید اندیشید

حکومت

۱	۲۳۰	راه به سعادت رساندن يك کشور
۴	۲۳۳	رسم و راه بایسته يك فرمانروا
		فرمانروا باید که پیش از هر چیز بر نفس خود
۳	۲۳۱	حاکم باشد
		غایت مطلوب حکومت، باز آوردن افکار مردم
۴	۲۳۲	است
۴	۲۳۶	رفتار وزیران و افسران دولت چگونه باید باشد
۳	۲۳۵	قضات با مجرمان چگونه باید رفتار کنند

بند صفحه

- ۲ ۲۳۲ تأثیر سخن و تعلیم بر مردم يك کشور
 ۶ ۲۳۸ با شورش‌ها و نافرمانی‌ها چگونه باید روبرو شد

اقتصاد

- ۳ ۲۲۱ باید که از هر چیز بخوبی استفاده کرد (داستان)
 ۶ ۲۲۰ هیچ ملك و خواسته‌ای همیشه برای آدمی نمی‌ماند
 آدمی نباید که ثروت را همان برای خود اندوخته
 ۴ ۲۲۸ کند.
 ۳ ۱۴۵ ثروت را چگونه توان یافت (داستان)

زندگی خانوادگی

خانواده جایی است که در آن اندیشه‌ها با یکدیگر

- ۴ ۲۱۸ تماس یابد
 ۴ ۲۱۳ چیزهایی که خانواده را آسیب رساند
 ۲ ۲۱۸ چگونه می‌توان حق نعمت پدر و مادر را گزارد
 ۱ ۲۱۴ منش درست فرزند درباره پدر و مادر
 ۵ ۲۱۴ روش و رفتار درست میان زن و شوهر
 ۳ ۲۲۴ زن و شوهر باید که هر دو به راه ایمان باشند

زندگی زنان

- ۳ ۲۲۲ زنان چهار گونه‌اند
 ۲ ۲۲۵ همسران چند گونه باشند
 ۱ ۲۲۵ تعلیم و پند به همسران جوان (داستان)
 ۳ ۲۲۳ اندرز به زنانی که به خانه شوی می‌روند
 ۱ ۲۲۷ پند به زنان جوان و زیبا

بند	صفحه	
۳	۱۳۰	رفتار مرد با زنان چگونه باید باشد
۲	۲۲۴	منش و رفتار میان زن و شوی
۳	۲۲۸	عهد و آرزوهای زن شایسته
۳	۲۲۵	همسر بد چگونه زنی است
		رسم و راه اخوان بی‌خانمان
		فقط به پوشیدن خرقه زنده کاهنان و خواندن کتابِ
۳	۱۹۷	مقدس، کسی در زمره اخوان بی‌خانمان درنیاید
		اخوان بی‌خانمان میراث‌دار معابد و دارایی
۱	۱۹۴	آن نباشند
۲	۱۹۴	آزمندان، کاهنان راستین نتوانند بود
۲	۱۹۶	راه زندگی واقعی که بایسته اخوان بی‌خانمان است
		زندگی اجتماعی
۵	۲۴۱	معنی جامعه یا زندگی اجتماعی
۵	۹۶	حال و وضع واقعی جماعات در جهان
۷	۲۴۱	انواع سه گانه بنیادهای اجتماعی
۳	۲۴۲	زندگی اجتماعی راستین
۳	۲۴۰	فروغ اعظم که تاریکی را بزدايد
۶	۲۴۲	تعادل در روابط انسانی
		چیزهایی که مؤید پیشبرد بنیاد اجتماعی به سوی
۲	۲۴۴	تعادل است
۲	۲۴۳	خواسته و مراد اخوت
۱	۲۵۱	غایت مطلوب اجتماعی پیروان بودا
۴	۱۴۰	آنان که با نظام عالم درافتند، برافتند (حکایت)

بند صفحه

		آنان که حسد ورزند و با دیگران هیاھو کنند، نابود شوند
۲	۱۴۰	
۴	۱۳۴	سالمدان را محترم دارید (داستان)
۳	۲۱۴	رفتار شاگرد با معلم چگونه باید باشد
۲	۲۱۵	قواعد دوستی
۵	۲۱۶	چگونه می‌توان دوست خوب اختیار کرد
۴	۲۱۵	کارفرما و خدمتگذار چگونه باید با هم رفتار کنند
۶	۲۲۸	راه رفتار با تبه‌کاران
		آنان که بخواهند دھرما را تعلیم دهند، چه چیزها را باید رعایت نمایند
۱	۱۹۹	

شرح واژه‌های سانسکریت (به ترتیبِ الفبایی)

اناتمان (قائم به ذات نبودن):

این معنی یکی از نکته‌های اساسی آیین بوداست. نموده‌ها و پدیده‌ها در این جهان، در نهایت، هیچ واقعیت و جوهر ذاتی ندارند. آیین بودا، که همه چیز را ناپایدار می‌داند، بسیار طبیعی است که تأکید ورزد که این گونه بود و نموده‌ها لمایه ماندگاری در ذات نتواند بود. اناتمان را «هستی مجازی» نیز می‌توان معنی کرد.

انیتیا (گذرا بودن یا ناپایدار بودن):

این معنی نیز نکته اساسی دیگری در آیین بوداست. همه نموده‌ها و پدیده‌های این جهان، پیوسته در جوشش و دگرگونی‌اند و يك لحظه نیز به يك حال نمانند. هر چیزی ناگزیر باید که در آینده روزی در گذرد یا پایان یابد، و نگرش این حال همانا مایه درد و رنج است. اما این مفهوم ناپایدار بودن را نباید همان از دید نفی و انکار تعبیر کرد، زیرا که پیشرفت و نیز بازسازی هم از تجلیات این تغییر پیوسته است.

بودا (وجود عارف):

در اصل همانا گائو تاما سیدهارتا (شاکيامونی) بنیادگذار آیین بودا، به این نام خوانده شد، زیرا که او انسانی بود که حدود ۲۵۰۰ سال پیش، در هند، در ۳۵ سالگی نور معرفت را دریافت. هدف نهایی همه بوداییان، از هر مکتب و شاخه‌ای باشند، آن است که يك بودا شوند. بر اثر اختلاف در وسایل رسیدن به این حال و منزلت است که آیین بودا به فرقه‌ها و مکتب‌های گوناگون تقسیم شده است. در آیین ماهایانا بودا، جدا از بودا شاکيامونی، بسیاری بوداهای دیگر چون امیتابا (آمیدا) مهاوایروکانا (دای نیچی)، و یساجیاگورو (یا کوشی) و دیگر بوداها را عموماً در جایگاه مظاهر تعالیم بودایی می‌پذیرند. در ژاپن به تأثیر گذار بودایی سرزمین پاك (که در آن انسان پس از دوباره متولد شدن در سرزمین پاك، بودا می‌شود) درگذشتگان را معمولاً بودایان یا به ژاپنی «هوتوکه» می‌خوانند.

بودیساتوا (سخت‌کوش راه معرفت):

این نام در اصل برای گائوتاما سیدههارتا، پیش از مرحله وصول او به نور معرفت، به کار می‌رفت. بعد از پیدایی آیین ماهایانا بودا، همه کسانی که در تلاش رسیدن به بوداگری‌اند؛ به این نام خوانده شدند. در نهایت امر، همه کسانی هم که همگام تلاش خود در پی بوداگری، بکوشند تا با کاربرد شفقت عظیم خویش دیگران را نیز به این راه برآرند، بر وجه نمادین، بودیساتوا شناخته شده‌اند. اوالوکیته سوارا (کائون)، کسیتی گاربا (جیزو)، مانجو-سری (مون - جو) از معروف‌ترین این چهره‌ها هستند.

پارامیتا (گذشتن به کرانه دیگر)

«گذشتن به کرانه دیگر» یعنی رسیدن به سرزمین بودا با کار بردن موازین مختلف بودایی. معمولاً شش اصل زیر موازینی شمرده می‌شود که آدمی بدان می‌تواند از این دنیای تولد و مرگ به جهان معرفت سیر کند: احسان، اخلاق، بردباری، تلاش، تمرکز و قضاوت درست (یا خرد). رسم ژاپنی هفته‌های هیگان در بهار و پاییز، از این عقیده بودایی پیدا شده است.

پالی (زبان)

پالی زبانی است که در آیین تراوادا بودا به کار برده می‌شود. عقیده بر این است که قدیم‌ترین احکام بودایی به این زبان نوشته شده است. از آنجا که پالی گونه‌ای از پراکریت، یا یک لهجه سانسکریت، است، تفاوت زیاد میان پالی و سانسکریت وجود ندارد؛ چنانکه دهرما کلمه سانسکریت است و در پالی این نام را داهما می‌گویند؛ یا در سانسکریت نیروانا و در زبان پالی تیبانا می‌گویند. نگاه کنید به شرح «سانسکریت».

پراجنا (خِرد):

خِرد یکی از شش پارامیتا است. این همان کارکرد اندیشه است که آدمی را یارا دهد تا، بی‌لغزشی، به راه زندگی برود و درست و نادرست را از هم بشناسد. آن کس که این نیرو را به کمال یافته باشد بودایش نامند. پس «پراجنا» ناب‌ترین و روشن‌ترین خرد است، و چیزی جدا از هوش عادی انسان.

تراوادا (یا هینایانا: سنت‌گرایان):

مکتب سنتی جنوبی آیین بودا، عموماً به این نام خوانده می‌شود. «ترا» به معنی متقدمان است. این مکتب، رسم و راه متقدمانی است که از نظر تاریخی گروهی از کاهنان ارشد سنت‌گرا بودند، هوادار رفتار بی‌چون و چرا به نص احکام، و در برابر اینان گروه دیگری از کاهنان بالنسبه مترقی و آزاداندیش‌تر بودند (که از عقاید آنان بعدها مکتب ماهایانا یعنی سنت شمالی پیدا آمد). گفته می‌شود که اینگونه برخوردها میان جریان‌های بودایی از تاریخی پیشتر، چند سده پس از درگذشت بودا، آغاز شد، همان هنگام که ماهادوا، که کاهنی مترقی بود، خواهان تعبیر آزادانه‌تری از پنج دسته احکام بودایی گردید. این جریان مایه انشعاب بوداییان به دو گروه تراوادا و ماهاسنگیها گردید که مکتب ماهایانا بعدها از این یک پدید آمد.

تریپیتاکا (سه سبد):

تریپیتاکا به معنی سه گروه کتاب‌های مقدس بودایی، یا دهرما، است. این گروه‌ها یکی سوتراها است، شامل تعالیم بودا؛ یکی وینایاها، شامل دستورها و آدابی که بودا نهاده است؛ و، سوم، ابیدهرماها است، شامل تفاسیر و رسالات مختلف درباره عقاید و احکام آیین بودا. بعدها نوشته‌های بودایی کاهنان اعظم چینی و ژاپنی نیز جزو قوانین بودایی درآمد. نگاه کنید به شرح «دهرما».

دهرما (تعلیم و سخن حق):

این، سخنی است که آن وجود عارف، یعنی بودا می‌آموزد. این تعالیم سه گونه احکام را در بر دارد: سوتراها (سخنانی که بودا خود تعلیم داده است)، وینایاها (موازین و آدابی که بودا نهاده است)، و ابیدهرماها (تفسیر و مباحث انجام شده درباره سوتراها و وینایاها به وسیله دانشمندان در دوره‌های بعدی). این سه گروه سخن، تریپیتاکا خوانده می‌شود. دهرما یکی از سه گنجینه آیین بوداست.

سامسارا (تناسخ):

سامسارا تکرار ازلی تولد و مرگ در درازنای گذشته و حال و آینده از گذار این شش عرصه تصویری است: دوزخ، ارواح گرسنه، حیوانات، آشورا یا ارواح ستیزه‌گر، آدمیان و بهشت. انسان تا به معرفت نرسیده است از این حلقه تناسخ رها نتواند شد. کسانی را که از برزخ این چنبره رسته باشند می‌توان بودا نامید.

سانسکریت (زبان):

سانسکریت زبان کهن ادبی هند است و یکی از خانواده زبان‌های هندو-اروپایی. این زبان به دو شعبه ودایی و متون قدیم تقسیم می‌شود. نوشته‌های مقدس مکتب بودایی ماهایانا به این زبان نوشته شده است که سَبْکِ آن سانسکریتِ عبری بودایی خوانده می‌شود.

سنگها (اخوت بودایی):

اخوان مرکب از کاهنان، راهبه‌ها و مردم عادی از زن و مرد است. در آغاز، این حلقه کاهنان و راهبه‌های بی‌خانمان را در برداشت. بعدها که نهضت ماهایانا پیدا آمد، همه کسانی که در پی یافتن حال بودیساتوا (قدیس بودایی) بودند، خواه کاهن و خواه عامی، با هم در حلقه اخوت گرد آمدند. اخوت یکی از گنجینه‌های سه گانه آیین بوداست.

سوترا (کتابهای مقدس):

سوترا همان متون مضبوط تعالیم بوداست. این واژه در اصل به معنی «ریسمان»، و کنایه از به رشته تحریر در آوردن گزیده مطالب از راه مطالعه وسیع عقیدتی یا علمی است. سوترا یکی از سه گروه تریپیتاکا (متون مقدس بودایی) است.

سونیاتا (بی‌جوهری):

مفهوم سونیاتا آن است که همه چیز در جهان بی‌ذات و ناپایدار باشد و این یکی از نکته‌های بنیادین آیین بودا است. از آنجا که وجود هر چیز به مایه سببی است، ذات باقی به مفهوم یک جوهر و اصل، حقیقت ندارد. اما انسان باید نه به این مفهوم که همه چیز را جوهری است و نه به این که هیچ چیز را ذات نیست، مقید باشد. هر موجودی، انسان یا جز آن، در مقام نسبت است. پس، مقید بودن بر اطلاق به عقیده یا مفهوم یا مرام خاص، نابخردانه است. این معنی زمینه اساسی نوشته‌های مقدس پراجنا در آیین ماهایانا بودا است.

کارما (کردارها):

هر چند که این واژه در اصل به معنی «کردارها» است، اما در ارتباط با نظریهٔ تسبیب و جزا به مفهوم نوعی نیروی مقدر که به مایهٔ هر یک از کردارهای گذشتهٔ آدمی حاصل می‌آید، گرفته شده است. به بیان روشن‌تر، هر یک از کرده‌های ما، به تناسب، نتیجهٔ خوب یا بد و خوشی یا درد بار می‌آورد و نیروی تأثیری بر آینده‌مان دارد، و این «کارما»ی انسان شناخته می‌شود. عقیده بر این است که چون کردار خوب مکرر شود، خوبی انباشته گردد و نیروی مقدر این اندوخته با تأثیری سودمند بر آینده کار ساز آید. به این اعتبار، کردار بر سه گونه است: کردار به تن، به زبان (گفتار) و به اندیشه (پندار).

ماهایانا (گردونهٔ عظیم):

در طول تاریخ بودایی، دو جریان فکری عمده پیدا آمد؛ یکی ماهایانا و دیگر تراوادا (یا هینایانا). آیین ماهایانا بودا در تبت، چین، کره، ژاپن و دیگر سرزمین‌ها گسترده شد، اما آیین تراوادا بودا به برمه، سریلانکا (سیلان)، تایلند و جاهای دیگر راه یافت. واژهٔ ماهایانا به معنی «گردونهٔ عظیم» است که می‌تواند همهٔ موجوداتی را که در این جهان تولد و مرگ رنج می‌برند در خود نشانند، و می‌تواند که همهٔ آنان را، یکسان، به سر منزل معرفت رساند.

نیروانا (آرامش ناب):

آن همه آرایش و هواهای آدمی با سیر و سلوک و ذکر و تفکر خاص مبتنی بر «عقل درست» یکسره از میان رفته باشد. کسانی را که به این حال رسیده‌اند، بودا نامند. گائوتاما سیدهارتا در سی و پنجسالگی این حال را دریافت و بودا شد. اما اکنون عقیده بر این است که او پس از درگذشتنش از این جهان بود که به آرامش مطلق رسید، زیرا تا هنگامی که تن خاکی انسان در میان است بعضی از آرایش‌ها همچنان بر جای بماند.

ای کاهنان، وجود یگانه‌ای باشد که زاده شدنش به این جهان برای رفاه و
بسی مردم است و برای شادی بسیار کسان؛ آن که از روح رحمت برای همه
عالم و برای بهره و بهروزی و شادی فرشتگان و آدمیان زاده می‌شود. آن یگانه
وجود کیست؟ او تائاگاتا است که يك آراहत باشد، آن عارف کامل. ای
کاهنان، این عارف همان است.

ای کاهنان، تجلی يك کس را در جهان دشوار توان یافت. آن کدام کس
است؟ آن تائاگاتا است که يك آراहत باشد، آن عارف کامل. آن کس هم او
است.

ای کاهنان، یافتن يك انسان برتر در جهان آسان نباشد. آن يك انسان
کدام است؟ آن تائاگاتا است که يك آراहत باشد، آن عارف کامل. آن
انسان هم او است.

ای کاهنان، مرگ يك کس را بر همه دریغ آید. آن يك تن که باشد؟ آن
تائاگاتا است که يك آراहत باشد، آن عارف کامل. آن يك کس هم او است.

ای کاهنان، يك کس باشد که به این جهان زاده شده است و همتا و مانند
ندارد. آن يك کس کیست؟ آن تائاگاتا است که يك آراहत باشد، آن عارف
کامل. آن یگانه هم او است.

ای کاهنان، تجلی یگانه کسی تجلی يك چشم نافذ، يك نور باهر و يك
فروغ لامع باشد. آن تجلی کیست؟ آن تجلی از تائاگاتا است که يك آراहत
باشد، آن عارف کامل. آن يك کس هم او است (آنگوتارا نیکایا، بخش
۱۳-۱).

بنیاد ترویج آیین بودا و نشر کتاب

«چنین گفت بودا»

در معرفی بنیاد ترویج آیین بودا باید از يك بازرگان سخن گفت، و او آقای یه‌هان نوّماتا بنیادگذار شرکت تولیدی میتوتویو است.

او بیش از چهل سال پیش شرکتی برای تولید وسایل اندازه‌گیری دقیق تأسیس کرد. اعتقاد استوار او این است که موفقیت يك بنیاد تجاری در گرو همبستگی متعادل آسمان و زمین و انسان است و اینکه فکر بشر با ائتلاف بسیار متوازن خرد، شفقت و شوق به کمال تواند رسید. او در پرتو این اعتقاد هر آنچه را که از وی بر آید، برای پیشرفت فنی ساخت وسایل اندازه‌گیری، و رشد فکر بشر انجام می‌دهد.

او عقیده دارد که صلح جهانی همان با کمال یافتن فکر بشر به دست می‌آید، که هدف تعالیم بودا نیز همین کمالیت است. از این رو او همراه اداره شرکت تولیدی خود، بیش از چهل سال است که در نشر و نو کردن موسیقی بودایی و در راه انتشار تصاویر و تعالیم بودا می‌کوشد.

او در سال ۱۹۶۵ به سرمایه خود بنیادی برای تبلیغ آیین بودا، و نیز کمک به صلح جهانی، تأسیس نمود. بدینگونه، بنیاد ترویج آیین بودایی به صورت يك سازمان عمومی بنا نهاده شد.

برای نشر فراگیر و گسترده تعالیم بودا چنان که هر انسانی بتواند از آن بهره‌گیرد و از پرتو خرد و رحمت عظیم او روشنی یابد، چه کاری انجام می‌شود یا باید کرد؟ یافتن راهی برای حل این مسأله چنان که نیت بانی بوده است، کار این بنیاد است.

کوتاه آن که، هر تلاش ممکن در راه تبلیغ سخن بودا، جان و مایه کار این بنیاد است.

این کتاب نتیجه تفکر تاریخی ما در این کشور آیین شناس است، که آنجا، هر چند که همیشه به فرهنگ بودائی خود بالیده ایم، چیزی که بتوان آن را کتاب تعالیم بودایی به بیان ژاپنی این آیین گفت، نوشته نیامده بود.

این کتاب برای هر خواننده‌ای «غذای» روح خواهد بود. کتاب چنان تهیه شده است که هر کس بتواند آن را روی میز مطالعه‌اش نگهدارد یا همراه داشته باشد و، هرگاه خواست، فروغ روان زنده بودا را ببیند.

گرچه این کتاب هنوز چنان که می‌خواهیم کامل نیست، اما چاپ حاضر «چنین گفت بودا» حاصل کار و تلاش چندین ساله دست اندرکاران بسیار است که کوشیده‌اند تا شاید نیاز مردم عصر ما را برای شرحی صحیح و روان و معتبر از آیین بودا که در ضمن یک راهنمای عملی و منبع الهام و حقیقت‌یابی در زندگی روزانه باشد، پاسخ گویند.

بنیاد ترویج آیین بودا در آرزوی روزی است که این کتاب در خانه‌های هر چه بیشتری وجود داشته باشد و شمار هر چه زیادتری از هموعان ما، از چشمه فروغ آن معلم بزرگ سیراب شوند.

از نظریات و انتقادات خوانندگان همیشه استقبال می‌کنیم. لطفاً هرگاه که خواستید، با بنیاد ترویج آیین بودا مکاتبه کنید.

